



The Scope of Comparative Theology: Comparing "Theologies" or Comparing "Religions"?

✉ **Mostafa Rastegar**  / PhD student in Comparative Religious Studies (Christian Theology), Faculty of Religions, University of Religions and Denominations setayeshesabz62@gmail.com

Ahmad Reza Meftah / Associate Professor, Department of Abrahamic Religions, University of Religions and Denominations meftah555@gmail.com

Mehrab Sadeghnia / Associate Professor, Department of Abrahamic Religions, University of Religions and Denominations sadeghnia@urd.ac.ir

Received: 2024/10/11 - **Accepted:** 2025/02/15 - **Published:** 2025/08/25

Abstract

The scope of compared contents in comparative theology is still ambiguous. The question is whether in comparative theology, only "theologies" are compared or "religions," of which theologies are only a part. The aim of this research is to clarify this confusion. Introducing the dominant approach to comparative theology, to answer this question, first the conceptual framework of the two terms religion and theology is explained, as far as it is related to this research; then, relying on the written and oral literature on the subject, the scope of the contents compared in comparative theology is determined. The research concludes that in comparative theology, as in comparative theology, it is "religions" that are referenced and compared, and what distinguishes comparative theology from comparative theology is not the limitation of the content compared to theologies; rather, it is the normative nature of comparative theology and the non-normative nature of comparative theology. To adapt the narrow title of comparative "theology" to the broad usage that occurs in practice, there are two solutions: first, to expand the meaning of "theology"; second, to consider the infinitive meaning of "thinking about God and religion" for this term. The second solution seems more justified.

Keywords: Comparative Theology, Comparative Religious Studies, Normative, Non-Normative.

نوع مقاله: پژوهشی

گستره مقایسه‌ورزی در الهیات مقایسه‌ای: مقایسه «الهیات‌ها» یا مقایسه «دین‌ها»؟

مصطفی رستگار  / دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان (گرایش الهیات مسیحی)، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب

setayeshesabz62@gmail.com

meftah555@gmail.com

sadeghnia@urd.ac.ir

احمد رضا مفتاح/ دانشیار گروه ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب

مهراب صادقی‌نیا/ دانشیار گروه ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب

دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ - انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

چکیده

گستره محتوای مورد مقایسه در الهیات مقایسه‌ای هنوز دچار ابهام است. پرسش این است که آیا در الهیات مقایسه‌ای، فقط «الهیات‌ها» با هم مقایسه می‌شوند یا «دین‌ها» که الهیات‌ها فقط بخشی از آنها هستند. هدف پژوهش، رفع این سردرگمی است. برای پاسخ به این پرسش، پس از معرفی رویکرد غالب به الهیات مقایسه‌ای، ابتدا چهار چوب مفهومی دو اصطلاح دین و الهیات، تأنجا که به این پژوهش ارتباط می‌یابد، توضیح داده می‌شود؛ سپس با تکیه بر ادبیات مكتوب و شفاهی موضوع، گستره محتوای مورد مقایسه در الهیات مقایسه‌ای مشخص می‌گردد. پژوهش به این نتیجه می‌رسد که در الهیات مقایسه‌ای نیز همانند دین‌شناسی مقایسه‌ای، این «دین‌ها» هستند که مورد رجوع و مقایسه قرار می‌گیرند و آنچه الهیات مقایسه‌ای را از دین‌شناسی مقایسه‌ای متمایز می‌کند، محدود بودن محتوای مورد مقایسه به صرف الهیات‌ها نیست؛ بلکه هنجاری‌بودگی الهیات مقایسه‌ای و غیرهنجاری‌بودگی دین‌شناسی مقایسه‌ای است. برای سازگار کردن عنوان مضیق «الهیات» مقایسه‌ای با امر موسعی که در عمل اتفاق می‌افتد، دو راهکار وجود دارد: نخست توسعه معنای «الهیات»؛ دوم لحاظ معنای مصدری «اندیشیدن درباره خدا و دین» برای این اصطلاح. راهکار دوم موجه‌تر می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: الهیات مقایسه‌ای، دین‌شناسی مقایسه‌ای، هنجاری، غیرهنجاری.

مختصات پژوهش

این پژوهش با هدف کمک به شناخت دقیق‌تر دانش الهیات مقایسه‌ای انجام شده و امید است بتواند در جهت برطرف‌سازی یکی از سردرگمی‌های مربوط به این عرصه گامی بردارد و بستری برای بررسی‌های موشکافانه‌تر فراهم آورد. پیشینه مکتوبی برای این پژوهش یافت نشد و با تحقیقی جدید از نوع بنیادی مواجهیم. داده‌های پژوهش از طریق مراجعه به کتابخانه‌های فیزیکی و مجازی و بانک‌های صوتی و تصویری و انجام مصاحبه و مشاهده در میدان گردآوری شده است.

این پژوهش به معناهای تاریخی الهیات مقایسه‌ای و مبانی این دانش و بررسی رویکردهای گوناگونی که به آن وجود دارد، وارد نمی‌شود. حوزه بررسی‌اش به رویکرد غالب به این دانش، یعنی رویکرد مؤمنانه یا اعترافی (confessional)، محدود است و از همین رو بر معنای جدید این اصطلاح، یعنی یادگیری بین‌دینی مرضی‌الطرفینی تمرکز دارد و معنای الهیات را در چهارچوب «ایمان در طلب فهم» درک می‌کند (یادگیری بین‌دینی مرضی‌الطرفینی) به رویکردی در الهیات مقایسه‌ای اشاره دارد که در آن، پیروان یک سنت دینی به مطالعه و بهره‌گیری از محتوای دین دیگر می‌پردازند. در این فرایند، الهی‌دان از بینش‌های دین دیگر استفاده می‌کند تا به تفسیرها و فهم‌های تازه‌ای از مفاهیم دینی خود برسد؛ به گونه‌ای که این برداشتها با رضایت یا دست‌کم عدم مخالفت پیروان دین دیگر همراه باشد. این شرط، از تحریف یا سوءتفاهم درباره محتوای دین مورد مطالعه جلوگیری می‌کند و احترام به اصول و فروع آن را به همراه دارد.

ازسوی دیگر، پیش‌فرض پژوهش این است که اگرچه الهیات مقایسه‌ای خاستگاهی کاتولیکی دارد، همه ادیان و مذاهب می‌توانند به آن وارد شوند و الهیات مقایسه‌ای خاص خود را دنبال کنند. جواز اطلاق عنوان «الهیات» بر علوم گوناگون اسلامی که مؤمنانه دنبال می‌شوند نیز پیش‌فرض است.

پرسش اصلی پژوهش این است که در الهیات مقایسه‌ای معاصر گستره موضوع تا کجا امتداد می‌یابد و عملاً چه محتوایی با هم مقایسه می‌شوند. آیا فقط «الهیات‌ها» با هم مقایسه می‌شوند؟ یا اینکه یادگیری و الهام‌گیری بین‌دینی مرضی‌الطرفینی نه تنها از «الهیات» دین دیگر، بلکه از همه «دین» دیگر صورت می‌گیرد و در واقع این «دین‌ها» هستند که مورد رجوع و مقایسه قرار می‌گیرند؟

پاسخ به پرسش اصلی مستلزم پاسخ به پرسش‌هایی فرعی است: آیا «الهیات» در الهیات مقایسه‌ای، صرفاً شامل دانش‌هایی انسانی و ایمان‌پایه (دین سطح دو)، مانند کلام و فقه و تفسیر است که حول محتوای زلال دریافتی از سوی خدا (دین سطح یک) شکل گرفته‌اند و درباره آن سخن می‌گویند؟ یا اینکه گستره موسع‌تری دارد و علاوه بر آن دانش‌های انسانی، خود آن محتوای زلال، مانند متن مقدس، و همچنین دین زیسته و تحقق‌یافته در جوامع بشری (دین سطح سه)، مانند مناسک و هنرهای دینی، را نیز دربر می‌گیرد؟ یا اینکه اصولاً معنای مصدری دارد و بر «خردورزی کردن» در باب آن محتوای زلال (دین سطح یک) دلالت می‌کند؟ مطلق اصطلاح «دین» چگونه در

ادبیات الهیات مقایسه‌ای، مراد از دین چیست؟

در این پژوهش، تفاوت بین دو دانش و دو اصطلاح الهیات مقایسه‌ای (comparative theology) و دین‌شناسی مقایسه‌ای (comparative religion) مطرح نظر است. آنچه به‌درستی از اصطلاح دین‌شناسی مقایسه‌ای متبادر می‌شود، مقایسه «دین‌ها» در همه سطوح سه‌گانه است. هنگامی که این اصطلاح و معنایش را در ذهن داریم و ناگهان با تعبیر «الهیات» مقایسه‌ای مواجه می‌شویم، به‌طور طبیعی تصور می‌کنیم که در الهیات مقایسه‌ای با مقایسه «الهیات‌ها» (دین‌های سطح دو) سروکار داریم؛ اما مراجعه به ادبیات موضوع این تصور را به‌چالش می‌کشد و مشخص می‌کند که در الهیات مقایسه‌ای، امر مقایسه محدود به الهیات‌ها نیست.

فرضیه اصلی پژوهش این است که اگرچه قدر متیقن از آنچه در دانش «الهیات مقایسه‌ای» رخ می‌دهد، مقایسه «الهیات‌ها» (دین‌های سطح دو) است، ولی در یک مطالعه درجه دوم، یعنی در مقام بررسی کیفیت نفس این دانش، محدود کردن الهیات مقایسه‌ای به مقایسه الهیات‌ها درست نیست. در این دانش، مقایسه‌ورزی به دین‌های سطح دو محدود نمی‌شود؛ بلکه دین‌های سطوح یک و سه را نیز دربر می‌گیرد. مطلق اصطلاح «دین» نیز در ادبیات الهیات مقایسه‌ای شامل سطوح سه‌گانه دین است.

برای سازگار کردن عنوان مضیق «الهیات» مقایسه‌ای با محتواهای موسعی (سطوح سه‌گانه دین) که در عمل مورد مقایسه قرار می‌گیرند، دو راه وجود دارد: نخست در نظر گرفتن معنایی موسع برای واژه الهیات؛ به‌طوری‌که علاوه بر دین سطح دو، دین در سطوح یک و سه را نیز شامل شود؛ دوم لحاظ معنای مصدری - یعنی اندیشیدن مؤمنانه در باب دین - برای این واژه؛ که البته در این صورت، این واژه صرفاً ناظر به دین مبدأ، یعنی دین الهی‌دان مقایسه‌ای، خواهد بود. پژوهش حاضر راهکار دوم را ترجیح می‌دهد.

رویکرد غالب به الهیات مقایسه‌ای

پیش از ورود به تحقیق، لازم است مشخص شود که رویکرد غالب به الهیات مقایسه‌ای را چه کسانی نمایندگی می‌کنند تا به آثارشان استناد شود. در این خصوص، شایان ذکر است که مقطع دکتری الهیات مقایسه‌ای، به معنای یادگیری بین‌دینی مرضی‌الطرفینی، فقط در کالج بوستون (Boston College) در امریکا ارائه می‌شود. مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز فقط در دانشگاه پادربورن (Paderborn University) آلمان تدریس می‌شود. به‌علاوه، «مرکز بین‌المللی الهیات مقایسه‌ای و مسائل اجتماعی» (International Center for Comparative Theology and Social Issues) در دانشگاه بُن (University of Bonn) آلمان، فعالیت‌های مهمی در این عرصه انجام می‌دهد. بوستون، پادربورن و بن (به‌اختصار، «بویابن»)، اصطلاح «الهیات مقایسه‌ای» (comparative theology) را برای یادگیری بین‌دینی مرضی‌الطرفینی به‌کار می‌برند و رویکردشان به این رشته، از نوع اعترافی و کاملاً شبیه یکدیگر است. شاید بتوان گفت که امتیاز انحصاری این رشته دانشگاهی در اختیار این سه مرکز قرار دارد؛ زیرا فقط آنها هستند که در این زمینه برنامه‌های آموزشی رسمی دارند و تنها ارائه‌دهنده مدرک دانشگاهی در این رشته به‌شمار می‌آیند (Von Stosch, 2024, p. 30).

دیگرانی هم وجود دارند که پژوهش‌های مشابهی انجام می‌دهند؛ ولی نام‌های متفاوتی برای کارشان برگزیده‌اند؛ برای نمونه، در دانشگاه جورج تاون (Georgetown University)، اگرچه دانیل مادیگان (Daniel Madigan) اصطلاح «الهیات همیارانه» (co-operative theology) را ترجیح می‌دهد، اما رویکردش با رویکرد بوپابن همسوست. دیگران حتی اگر عنوان دیگری روی کارشان بگذارند، بوپابن اگر همسویشان ببیند، کارشان را الهیات مقایسه‌ای برمی‌شمرد (Von Stosch, 2024, p. 32).

ازسوی دیگر، افراد دیگری مانند رابرت نویل (Robert C. Neville) نیز هستند که به‌رغم استفاده از عنوان «الهیات مقایسه‌ای»، رویکرد متفاوتی دارند. این رویکردهای متفاوت بسیار محدودند و در برخی «افراد» خلاصه می‌شوند و هیچ «دانشگاه» یا «مؤسسه» یا «مرکز» مهمی وجود ندارد که تحت عنوان «الهیات مقایسه‌ای» کار متفاوتی انجام دهد (Von Stosch, 2024, p. 32).

دیگر نشانه غلبه رویکرد بوپابن این است که اغلب الهی‌دانان مقایسه‌ای الهیات‌ورزی خود را به روش او انجام می‌دهند؛ برای نمونه، در مجموعه سی‌وهشت‌جلدی *Beiträge zur Komparativen Theologie* (مشارکت در الهیات مقایسه‌ای)، همه نویسندگان، شامل الهی‌دان‌های برجسته‌ای مانند کلاوس فون استوش، کاترین کورنیل (Catherine Cornille)، ماریانه مویارت، جاشوا رالستون (Joshua Ralston)، میشل واس - رابرتس (Michelle Voss-Roberts) و روث لنگر (Ruth Langer)، به رویکرد اعترافی یکسانی پایبندند. در مجموعه ده‌جلدی *Comparative Theology: Thinking across Traditions* (الهیات مقایسه‌ای: اندیشیدن در فراسوی سنت‌ها) نیز کتاب‌هایی - مانند *How to Do Comparative Theology* (چگونگی الهیات‌ورزی مقایسه‌ای)، حاصل همکاری کلاوس فون استوش و فرانسیس کلونی - وجود دارد که از رویکرد بوپابن پیروی می‌کنند. در این مجموعه نیز با آثار کاترین کورنیل، ماریانه مویارت، جاشوا رالستون و میشل واس - رابرتس مواجهیم. این غلبه، یک واقعیت میدانی است و مرکز معتبر دیگری وجود ندارد که تحت عنوان «الهیات مقایسه‌ای»، رویکرد متفاوتی داشته باشد (Von Stosch, 2024, p. 32).

۱. گستره مقایسه‌ورزی در الهیات مقایسه‌ای

۱-۱. مفهوم دین در دانش الهیات مقایسه‌ای

برای دین، در معنای عام کلمه، سه سطح شناسایی شده است: سطح یک (محتوای زلال نازل شده)؛ سطح دو (محصول اندیشه انسان درباره آن محتوای زلال) و سطح سه (دین‌های سطوح یک و دو به‌صورت زیسته و تحقق‌یافته در جوامع بشری). پس می‌توان درباره سه سطح از دین سخن گفت: دین یک، دین دو و دین سه. در هر دین و مذهبی فرد یا افرادی وجود دارند که ایمان‌داران سخنشان را بی‌چون‌وچرا می‌پذیرند.

«اسلام سه» نیز عبارت است از اسلام زیسته و مجموعه کارهای مسلمانان در طول تاریخ و آثار و نتایجی که بر آن کارها ترتب یافته است.

ادبیات موضوع نشان می‌دهد که در دانش الهیات مقایسه‌ای، اصطلاح دین (religion) شامل سطوح سه‌گانه پیش گفته است. به علاوه، دین (religion) و سنت دینی (religious tradition) هم‌معنایند و برای نمونه، کورنیل آنها را مترادف می‌داند (Cornille, 2023, January 21). استفاده الهی‌دان‌ها از دین و سنت دینی، به‌عنوان دو اصطلاح مترادف، احتمالاً بدین سبب است که آنان مایل نیستند در مظان ورود به مشاجراتی قرار گیرند که در آن، اصطلاح religion بار منفی استعماری دارد (Von Stosch, 2022, December 2).

۱-۲. مقایسه‌ورزی بین دینی در الهیات مقایسه‌ای

الهی‌دان مقایسه‌ای به عرصه بسیار گسترده یادگیری «بین دینی» (inter-religious) وارد می‌شود، نه صرفاً عرصه مضیق یادگیری «بین الهیاتی» (inter-theological). با مراجعه به ادبیات موضوع، روشن می‌شود که از یک سو، پژوهش‌های درجه دوم نه تنها الهیات‌ها (دین‌های سطح دو)، بلکه دین‌های سطوح یک و سه را نیز موضوع الهیات مقایسه‌ای و مورد مقایسه می‌دانند؛ از دیگر سو، پژوهش‌های درجه اول نیز عملاً مقایسه‌گری را در همه سطوح سه‌گانه دین انجام داده‌اند. کورنیل پیوسته از ورود به «دین» یا «سنت دینی» دیگر سخن می‌گوید، نه ورود به «الهیات» دین دیگر؛ برای نمونه، اظهار می‌کند که الهیات مقایسه‌ای اعترافی فرایندی است که در آن، الهی‌دان در محدوده چهارچوب دینی یک سنت دینی خاص، به قلمرو دین دیگر ورود می‌کند و به تأملات الهیاتی سازنده مشغول می‌شود (Comille, 2019b, p. 18). «ورود نظام‌مند و سازنده به سایر ادیان، به هیچ‌روی امتیاز ویژه سنت مسیحی نیست» (Cornille, 2019b, p. 6).

از آنجاکه قدر متیقن از موضوع‌های مورد مقایسه در دانش الهیات مقایسه‌ای، «الهیات‌ها» (دانش‌های ایمان‌پایه) انسانی در باب دین / دین‌های سطح دو است، در اینجا نیازی به اثبات آن نیست. پژوهش درصدد اثبات آن است که علاوه بر قدر متیقن (دین‌های سطح دو) دین‌های سطح یک (متون مقدس) و سطح سه (مناسک و هنرهای دینی و مانند آن) نیز مورد رجوع و مقایسه‌اند.

۱-۲-۱. رجوع به متن مقدس دین دیگر

کلونی بهترین گزینه برای الهیات مقایسه‌ای ثمربخش را «خواندن متون، به‌ویژه متون مقدس و متون الهیاتی» (scriptural and theological texts) می‌داند (Clooney, 2010, p. 58): «می‌توانیم متونی مانند بهاگاواد گیتا (Bhagavad Gita) و اوپانیشادها (Upanishads)، رامایانا (Ramayana) و مهاباراتا (Mahabharata) را بخوانیم»؛ «می‌توانیم [خود] منابع اولیه را بخوانیم و می‌توانیم درباره آنها نیز جزئیات بیشتری مطالعه کنیم» (Clooney, 2010, p. 5-6). کلونی در توصیف مستغرق‌شدگی الهی‌دان مقایسه‌ای در متون مقدس سایر ادیان می‌گوید: شاید چنین بنماید که بدین‌سان صاحب دنیایی از نوشتجات مقدس می‌شویم؛ ولی نکته آن است که [در چنین حالتی] ما واقعاً «کتاب مقدس» نداریم. [...] نه یک، بلکه دو سنت سرشار دینی برای استفاده داریم؛ ولی - چون بیش از اندازه می‌دانیم - هیچ سنت یگانه و معیاری نداریم که توجهمان را جلب کند (Clooney, 2008, p. 209). به نظر کورنیل، متون مقدس معمولاً به لحاظ اصول استنباط [/ هرمنوتیک] انعطاف‌پذیرترند و در نتیجه در درون یک سنت دینی و نیز به‌صورت بین دینی تفاسیر گوناگونی می‌پذیرند. به همین سبب، تعجب‌آور نیست که الهیات مقایسه‌ای

تمرکز اصلی‌اش را بر متون نهاده است؛ ولی این رشته می‌تواند هر جنبه دیگری از ادیان را نیز پوشش دهد (Cornille, 2019b, p. 2). ماریانه مویارت نیز معتقد است که «الهیات مقایسه‌ای عموماً با مطالعه رفت‌وبرگشتی متون (texts)؛ یعنی متون کتاب مقدسی (scriptural texts) که قانونی (canonized) شده‌اند و تفسیرهای این متون و همچنین رساله‌های فلسفی، الهیاتی (theological) و عرفانی، آغاز می‌شود» (Moyaert, 2018, p. 2). کلاوس فون استوش توضیح می‌دهد که در الهیات مسیحی بررسی مشروعیت مطالعه متون مقدس سایر ادیان، به‌عنوان منابعی برای درک بهتر مسیحیت، مطالعه «در سطح ماده» (on the matter level) به‌شمار می‌آید (Von Stosch, 2024, p. 1)؛ برای نمونه، بررسی مشروعیت مطالعه قرآن برای دستیابی به درکی بهتر از عیسی مسیح علیه السلام، تحقیق در سطح ماده است. در این چهارچوب، هدف آن است که روشن کنیم در قلمرو دگم‌شناسی مسیحی، منابعی مانند قرآن چگونه می‌توانند به درک جامع‌تری از مسیح کمک کنند. فون استوش در خصوص امکان رجوع الهی‌دان مقایسه‌ای مسلمان به عهدین و آموختن از آن می‌گوید: «از منظر قرآن، تورات در واقع وحی خدا شمرده می‌شود» و «بدیهی به نظر می‌رسد که تورات و انجیل یا [به‌قول قرآن] "کتاب" منابعی هستند که می‌توان از آنها آموخت» (Von Stosch, 2024, p. 1).

دانیل مادیگان (Madigan, 2012, p. 43-58) استدلال می‌کند که مقایسه عیسای رنج‌کش و مصلوب در کتاب مقدس با عیسای قرآن‌چندان منطقی نیست. با وجود این، می‌توان رنج «کلام خدا»؛ یعنی عیسی مسیح، و واکنش او به شکنجه‌دهندگان و مسخره‌کنندگان را در کتاب مقدس در نظر گرفت و آن را با واکنش «کلام خدا»؛ یعنی قرآن، به افرادی که آن را به استهزا می‌گرفتند و تکذیب می‌کردند، مقایسه کرد. در اینجا، شاهد رنج «کلام خدا» در دو سنت متفاوت هستیم (Von Stosch, 2024, p. 24).

شاهدی دیگر بر رجوع مستقیم الهی‌دان‌های مقایسه‌ای به متون مقدس سایر ادیان، وجود آثاری است که چنین الهی‌دان‌هایی در زمینه تفسیر متون مقدس سایر ادیان پدید آورده‌اند؛ مانند مجموعه «تفسیرهای مسیحی بر متون مقدس غیرمسیحی» (Christian Commentaries on Non-Christian Sacred Texts). «متن مقدس دین دیگر، به‌نوبه خود موجب می‌شود که هریک از نویسندگان این مجموعه دوباره به سنت خود بازگردند و متون یا اندیشه‌هایشان را در پرتو دین دیگر بازبایی یا بازتفسیر کنند» (Cornille, 2019b, p. 21). دانیل شریدن (Daniel Sheridan) در تفسیر مسیحی‌اش بر «نارادا سوترا» (Nārada Sūtras) در آیین هندو، متون مقدس سایر ادیان را «عوامل واکنش‌افزایی می‌داند که می‌توانند ما را یاری دهند تا به فهمی تازه از سنت خود برسیم» (Sheridan, 2007, p. 6-7).

۲-۱. رجوع به مناسک دین دیگر

متن محوری در الهیات مقایسه‌ای درک ما را از دین، همچنین خلاقیت الهیاتی‌مان را محدود می‌کند (Moyaert, 2018, p. 2):

اگر به عنوان الهی‌دان مقایسه‌ای به منابع متنی بسنده کنیم و منابع غیرمتنی را معیار مناسبی برای [خردورزی درباره] خدا ندانیم، ممکن است موجب محدودیت توان درک خود از کنش‌وری خدا در جهان و رفتارش با انسان‌ها شویم. روی‌آوری به شعائر مادی و مناسکی، علاوه بر منابع متنی، جنبه‌هایی از امور الهی را آشکار می‌کند که با ماندن در محدوده مطالعه متن، مخفی می‌ماند (Moyaert, 2018, p. 3).

ماریانه مویارت به بررسی این موضوع می‌پردازد که گسترش دامنه الهیات مقایسه‌ای به فراتر از متون چگونه می‌تواند خلاقیت الهیاتی این رویکرد را افزایش دهد (Moyaert, 2018, p. 3). مویارت اظهار می‌دارد:

استدلال این است که با ایجاد گشودگی در الهیات مقایسه‌ای در قبال سایر منابع، مانند آداب و رسوم مادی و نمادین، شیوه‌های متفاوتی برای اندیشیدن به روابطمان با خدا کشف خواهیم کرد [...] چیزی که مدنظر دارم، تکمیل‌کنندگی دوسویه مقایسه متون و مقایسه مناسک است (Moyaert, 2018, p. 3).

الهی‌دان مقایسه‌ای روی زیرمجموعه محدودی از پدیده‌های دینی متمرکز می‌شود؛ یعنی بر میراث فکری سنت‌های خاص؛ چنان‌که در متون نوشته شده است؛ ولی «عمل» مردم دین‌دار چه؟ یعنی مناسکی که به‌جا می‌آورند؛ آثار مقدسی که گرامی می‌دارند؛ مجسمه‌هایی که به آنها جامه می‌پوشانند و در دسته‌ها حمل می‌کنند؛ و مکان‌های زیارتی‌ای که نسل‌به‌نسل از آنها بازدید می‌کنند. منطقی است ادعا کنیم که اینها نیز شایسته توجه‌اند (Moyaert, 2018, p. 11). الهی‌دان مقایسه‌ای به این موارد توجه خواهد داشت: ۱. فضای انجام مناسک؛ ۲. زمان انجام مناسک؛ ۳. اشیای مورد استفاده در مناسک؛ ۴. صدا و زبانی که به‌کار می‌رود و تولید می‌شود؛ ۵. نقش‌های مناسک‌گزاران؛ ۶. اعمالی که به‌جا آورده می‌شود (Grimes, 1995, pp. 1-7).

مقایسه‌گری در حوزه مناسک، گذشته از مشاهدۀ کارهایی که دیگران انجام می‌دهند، شامل انجام دادن کارهای آنان نیز هست. به این ترتیب، الهی‌دان مقایسه‌ای به آموزنده‌ای فعال تبدیل می‌شود (Moyaert, 2018, p. 17). او از طریق بدنش نیز می‌آموزد و به زوایای پنهان سنت دیگر دست می‌یابد. نکته کلیدی این است که تورات را همان‌گونه‌که دین‌آموزان یهودی می‌خوانند، بخواند؛ با مسلمانان نماز جمعه به‌جای آورد؛ با بوداییان مراقبه ذن (zazen) انجام دهد؛ و به معبد هندوها برود و در مراسم پوجا (puja) شرکت کند (Paulsell, 2012, January 25). مقایسه‌گری مناسکی می‌تواند به‌شیوه جدیدی برای یادگیری بین‌دینی تبدیل شود؛ به‌ویژه از آن نظر که راه را بر قوه تخیل دینی می‌گشاید و می‌تواند به درون‌بینی‌های الهیاتی خلاق بینجامد (O'Donnell, 2015, p. 182-185). «حوزه الهیات مقایسه‌ای، هم به دانشمندانی که متون دو سنت مختلف را با دقت و توجه به جزئیات می‌خوانند و با هم مقایسه می‌کنند، نیاز دارد و هم به دانشمندانی که تأکید بیشتری بر کار میدانی و دین زیسته دارند» (Moyaert, 2018, p. 23).

برای نمونه، فون استوش از تجربه همراهی‌اش با جمعی از هم‌وطنان ترک خود در آلمان و روزه یک‌روزه‌اش در ماه رمضان سخن می‌گوید. در یک برابرسنجی خلاقانه، فون استوش لحظات افطار را با اندیشه موجود در عشای ربانی همسو و امری جذاب و مرموز ارزیابی می‌کند و حاوی درس‌آموزی ارزشمندی برای الهیات مقایسه‌ای مسیحی می‌داند. او به این نتیجه عملی می‌رسد که اگر از صبح تا پیش از مراسم عشای ربانی، که قبل از ظهر انجام می‌شود، چیزی نخورد و نیاشامد، دو عنصر مقدسی که در عشا دریافت می‌کند، معنای بیشتری برای او خواهد داشت (Von Stosch, 2024, p. 42).

۳-۲-۱. رجوع به آثار هنری دین دیگر

«الهیات مقایسه‌ای» می‌تواند در زمینه قالب‌های هنری نیز به کار رود (Moyaert & Geldhof, 2015). هنرمندان غالباً در فعالیت الهیاتی مقایسه‌ای پیشتازند و از راه مجسمه‌سازی، نقاشی یا معماری، تصویری از واقعیت به نمایش می‌گذارند که الهام‌گیری از سنت‌های دینی گوناگون را نیز دربر دارد و به‌نوبه خود می‌تواند زمینه‌ای برای تأملات بیشتر باشد (Cornille, 2019b, p. 2). هر دینی دارای متون، آموزه‌ها، رسوم و بیان‌های هنری فراوانی است که می‌توانند موضوع مقایسه واقع شوند (Cornille, 2019b, p. 19). رابرت نویل نیز معتقد است که حقیقت الهیاتی را می‌توان در دنیای هنر هم جست. او در دیدگاه جهانی‌اش، به هر منبعی که شناخت بیافریند، شامل شکل‌های گوناگون هنری و موسیقی و نقاشی، رجوع می‌کند (Von Stosch, 2024, p. 65).

نوید کرمانی (Kermani, 2020) در کتاب خود، *Ungläubiges Staunen: Über das Christentum* (شگفتی فراتر از باور: در باب مسیحیت)، که تحت عنوان *Wonder Beyond Belief: On Christianity* به زبان انگلیسی نیز منتشر شده است، به سراغ مفاهیم موجود در هنر مسیحی رفته و از جایگاه یک فرد مسلمان به تحلیل آثار هنرمندان اروپایی پرداخته و در جهت ایجاد پیوند میان سنت‌های مسیحی و اسلامی، تحسین بسیاری را برانگیخته است. کرمانی مضامین گوناگون مسیحی، مانند الوهیت، حضرت مریم علیها السلام، محبت، قربانی، مرگ، مرثیه‌سرایی و رستاخیز را که در این آثار تجسم یافته‌اند، واکاوی و نحوه نمایش این مضامین در مسیحیت را با اندیشه‌های اسلامی مقایسه کرده است. «زمانی که او به‌عنوان یک مسلمان شیعه توضیح می‌دهد که چگونه می‌تواند با یک نقاشی مسیحی خاص ارتباط برقرار کند و این به او کمک می‌کند تا عیسی را در اسلام بهتر درک کند، به حوزه الهیات مقایسه‌ای گام نهاده است» (Von Stosch, 2024, p. 76).

۳-۱. مفهوم الهیات در الهیات مقایسه‌ای

الهیات (theology) در لغت به معنای سخن (logos) در باب خدا (theos) است و در اصطلاح، دانشی است انسانی و ایمان‌پایه که موضوعش دین سطح یک است. انسان بر گرد این دین خالص، عقاید و اعمال و دستورها و اخلاقیات می‌سازد و اینها روی هم، الهیات (دین سطح دو) را تشکیل می‌دهند. پس الهیات دانشی است که دین سطح یک را مؤمنانه می‌پژوهد، می‌شناسد و می‌شناساند؛ برای نمونه، الهیات مسیحی شامل الهیات کتاب‌مقدسی (biblical theology)، الهیات تاریخی (historical theology)، الهیات نظام‌مند (systematic theology)، و الهیات کاربردی (practical theology) است (Wiesenhütter, 2024, p. 23). در حوزه اندیشه اسلامی نیز، به دلیل نیاز به زبان مشترک در این پژوهش، می‌توان به‌صورت اکتشافی (heuristic) از عنوان «الهیات» برای اشاره به علوم گوناگون اسلامی - شامل تفسیر، کلام، فقه، اصول فقه، اخلاق و عرفان و بقیه حوزه‌های مطالعاتی، که ابعاد گوناگون زیست انسان و رابطه او با خدا و جهان را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار می‌دهند - بهره جست؛ برای نمونه، «مسلمانان آلمان تفسیر و فقه و تمامی بقیه علوم اسلامی را الهیات می‌دانند» (Von Stosch, 2024, April 10).

پرسش این است که اگر در دانش الهیات مقایسه‌ای، مقایسه‌گری الهی‌دان به «الهیات‌ها» (دین‌های سطح دو) محدود نیست و همه سطوح سه‌گانه دین‌ها را شامل می‌شود، چگونه می‌توان عنوان مضیق این رشته را موجه قلمداد کرد. به نظر می‌رسد که اسم دانش «الهیات» مقایسه‌ای بر مسمایی که عملاً رخ می‌دهد، منطبق نیست. به بیان روشن‌تر، آنچه به‌درستی از اصطلاح comparative religion (دین‌شناسی مقایسه‌ای) متبادر می‌شود، مقایسه «دین‌ها» است. وقتی این اصطلاح و معنایش را در ذهن داریم و ناگهان با تعبیر comparative theology (الهیات مقایسه‌ای) مواجه می‌شویم، به‌طور طبیعی تصور می‌کنیم که در الهیات مقایسه‌ای، با مقایسه «الهیات‌ها» (دین‌های سطح دو) سروکار داریم؛ حال آنکه در این دانش، همه سطوح سه‌گانه دین‌ها با هم مقایسه می‌شوند. این عدم انطباق بین اسم و مسمای چگونه توضیح داده می‌شود؟

برای توضیح این ناسازگاری بدوی، دو راه وجود دارد: اول، لحاظ معنای بسیار موسع‌تر برای واژه «الهیات»؛ به‌طوری که به دین سطح دو محدود نشود؛ بلکه سطوح اول و سوم دین را هم شامل شود؛ دوم، لحاظ معنای مصدري برای واژه «الهیات» در عنوان این رشته.

۱-۳-۱. توسعه در معنای الهیات

تغییر و قبض و بسط در معنای «تئولوژی» بی‌سابقه نیست. واژه الهیات (theology) را نخستین‌بار افلاطون برای ارزیابی عقلانی و نقادانه اسطوره‌های یونانی به کار برد. در مسیحیت باستان، در زمان یوسیبوس قیصریه (Eusebius of Caesarea)، «الهیات» دانشی بود که به هستی مسیح و خدای مسیحیان می‌پرداخت و به خدایان بت‌پرستان کاملاً بی‌اعتنا بود. دو دانش وجود داشت: «الهیات» (theología) که به خود خدا و بنیادی‌ترین اصول می‌پرداخت؛ و «سیاست» یا «تدبیر» (oikonomía) که کارهای خدا، به‌ویژه آمدنش به میان انسان‌ها به‌عنوان منجی را می‌پژوهید. در قرون وسطی، آبلارد (Abelard) این دو بخش را در ذیل مقوله الهیات با هم پیوند داد. تا اواسط قرن بیستم، «الهیات» مفهومی عمدتاً مسیحی بود و به‌طور خاص به آموزه‌های مبتنی بر کتاب مقدس می‌پرداخت؛ ولی پس از آن، آشنایی با سایر ادیان نشان داد که آنها نیز دارای الهیات‌اند؛ از ادیان خداپرست یهودیت و اسلام و هندوئیسم گرفته تا ادیانی مانند بودیسم که در آنها هیچ خدایی (theos) در کانون توجه نیست (Auffarth et al, 2006, p. 1880).

داعیه‌داران نام‌آشنای الهیات مقایسه‌ای (افرادى مانند فرانسیس کلونی، کاترین کورنیل، ماریانه مویارت، و کلاوس فون استوش) گواهی می‌دهند که اصطلاح الهیات در عنوان «الهیات مقایسه‌ای»، توسعه مفهومی دارد و فقط شامل الهیات در معنای مضیق آن (دین سطح دو) نیست؛ بلکه همه دانستی‌های دینی (سطوح سه‌گانه دین) را دربر می‌گیرد. بنابراین طرفین مقایسه می‌توانند متون مقدس و غیرمقدس، شامل متون مناسکی و اخلاقی و سرودهای عبادی و آموزه‌ها و شخصیت‌ها و خود آداب و مناسک و رسوم معنوی و عملی و ریاضات و مراقبات و علوم گوناگون دینی و فرهنگ دینی باشد؛ می‌تواند چهارچوب‌های نهادی و هنری و فرهنگ مادی و شکل‌ها و بیان‌های هنری، مانند شعر و موسیقی و نقاشی و مجسمه‌سازی و معماری را دربر بگیرد و گفت‌وگو با رهروان سایر ادیان را نیز شامل شود و اصولاً همه داده‌ها و دانستی‌های دینی و همه منابع معنوی، شامل هر منبع مکاشفه و بیش‌افزایی و روشن‌نگری و درون‌بینی و حتی تاریخ دین را نیز دربر گیرد.

برای نمونه، کورنیل می‌گوید: «در الهیات مقایسه‌ای، الهیات به معنای موسع فهمیده می‌شود و [...] امکان تأمل دربارهٔ مناسک و متون مقدس (scripture) و فرهنگ مادی (material culture) را نیز دربر می‌گیرد» (Cornille, 2024, March 15). به گفتهٔ کلونی، در الهیات مقایسه‌ای، دو واقعیت - شامل متن، تصویر، رسم عملی، آموزه یا شخصیت - را نزدیک هم قرار می‌دهیم تا بتوانیم آنها را بارها و بارها در کنار هم ببینیم (Clooney, 2010, p. 11). او نه تنها مراجعه به متن مقدس دین دیگر را روا می‌داند، بلکه به شکلی عجیب، حتی عدم موافقت با تفسیرهای الهی‌دان‌های آن دین دیگر از متن مقدس خودشان را نیز جایز برمی‌شمرد و می‌گوید: «گاهی اوقات می‌توانیم با هم موافق نباشیم؛ دست کم به این معنا که بگوییم نمی‌دانیم چرا فلان عمل را انجام می‌دهند؛ چگونه است که برخی متون مقدس را به شکل خاصی درک می‌کنند؛ و غیره» (Clooney, 2024, March 19). فون استوش نیز با این ایده که الهی‌دان مقایسه‌ای مجاز است از منابع مختلف دین دیگر (شامل انواع الهیات‌ها، متون مقدس، مناسک، هنرها، موسیقی و...) بهره بگیرد، موافق است (Von Stosch, 2024, April 11).

«الهیات مقایسه‌ای» می‌تواند در زمینهٔ آداب و مناسک، اصول اخلاقی، رسوم معنوی و چهارچوب‌های نهادی و هنری نیز به کار رود. هنرمندان غالباً در فعالیت الهیاتی مقایسه‌ای پیش‌تازند و از راه مجسمه‌سازی، نقاشی یا معماری، تصویری از واقعیت را به نمایش می‌گذارند که الهام‌گیری از سنت‌های دینی گوناگون را نیز دربر دارد و به نوبهٔ خود می‌تواند زمینه‌ای برای تأملات بیشتر باشد (Cornille, 2019b, p. 2). فردریکس معتقد است که در الهیات مقایسه‌ای گفت‌وگویی صورت می‌گیرد «که در آن، متون اصیل و هنر و رسوم دینی و ریاضات و مراقبات و بقیهٔ جوانب سنت خودی در پرتو سنت دیگر بازتفسیر می‌شود» (Fredericks, 2010, p. xi).

حتی در رویکرد فرااعترافی (meta-confessional) به الهیات مقایسه‌ای نیز موضوع الهیات‌ورزی، به دین سطح دو محدود نمی‌شود. نمایندهٔ مهم این سنت، رابرت نویل، منابع بسیار گوناگونی را درهم می‌آمیزد؛ از کتاب مقدس گرفته تا فلسفهٔ چینی و ایده‌های داثوئیستی و عناصر تفکر پویشی از فلسفهٔ پویشی و غیره. ایدهٔ اصلی‌اش آن است که نقش الهیات، پردازش نظریه‌ای جامع است که تا جای ممکن، همهٔ داده‌ها را دربر بگیرد؛ بی‌آنکه بین قرآن و کتاب مقدس و فلسفهٔ چینی و فلسفهٔ سکولار و... تمایزی بگذارد (Von Stosch, 2024, p. 65). نویل در دیدگاه جهانی خود، به هر منبعی که شناخت بیافریند (شامل شکل‌های گوناگون هنری و موسیقی و نقاشی) رجوع می‌کند. برای او، نقاشی چینی به اندازهٔ شعر اهمیت دارد و انجیل و قرآن دارای وزنی برابرند (Von Stosch, 2024, p. 65).

شایان ذکر است که آنچه باعث می‌شود قرائت غالب نتواند کار نویل را به عنوان الهیات مقایسه‌ای بپذیرد، هیچ ربطی به گستردگی منابع مورد استفادهٔ او ندارد؛ بلکه این فرااعترافی بودن - یعنی ایمان پایه نبودن و ریشه نداشتن کار او در یک سنت دینی خاص - است که موجب افتراش می‌شود. نویل الهیات را «فهم در طلب ایمان» می‌داند؛ حال آنکه در قرائت غالب، الهیات «ایمان در طلب فهم» است.

۲-۳-۱. لحاظ معنای مصدری برای «الهیات»

برای اثبات اینکه اصطلاح «الهیات مقایسه‌ای» به مفهوم بسیار مضیق «مقایسه‌الهیات‌ها» (مقایسه‌دین‌های سطح دو) فروکاستنی نیست، با استناد به شواهد متعدد، این نتیجه حاصل می‌شود که باید معنای موسع‌تری برای واژه «الهیات» در نظر گرفت؛ معنایی که دین‌های سطح یک، دو و سه را شامل شود؛ ولی در یک ارزیابی منصفانه، این کار - یعنی گنجاندن متون مقدس و آداب و رسوم و مناسک و فرهنگ و هنر دینی در مقوله «الهیات» - پرمؤنه به نظر می‌رسد و شایسته‌تر می‌نماید که برای برون‌رفت از این مشکل، راه‌حل دیگری جست‌و‌جی کرد؛ راه‌حلی که باز مستند است به بیان‌هایی از نام‌آشنایان این رشته. به نظر می‌رسد که آنان هر دو راه‌حل را می‌پذیرند؛ هرچند چنین می‌نماید که راه‌حل دوم را ترجیح می‌دهند.

راه‌حل دوم آن است که در اصطلاح comparative theology، واژه theology را نه مربوط به «مجموعه‌ای از آموزه‌ها و گزاره‌های خردمندانه دینی»، نه به معنای اصطلاحی «یک نظام یا دستگاه الهیاتی خاص»، و نه به مفهوم «چتری که همه سطوح سه‌گانه دین را شامل می‌شود»، بلکه به معنای مصدری «اندیشیدن درباره خدا و دین» (theologizing) بدانیم. واژه theology دارای دو معناست: معنای نخست و مصدری‌اش، «اندیشیدن در باب خدا و روابط بین خدا و جهان و آموزه‌های دینی و امور الهی» است (Guralnik, 1995) و معنای دوم و اصطلاحی‌اش عبارت است از «شکل یا نظامی خاص از این مطالعه، چنان‌که در یک دین یا مذهب خاص ارائه می‌شود» (Guralnik, 1995).

معنای نخست بر همان کاری دلالت دارد که می‌توانیم «الهیات‌ورزی»، «انجام الهیات» (doing theology)، یا «انجام کار الهیاتی» بنامیم. بنابراین می‌توان اصطلاح comparative theology را به جای «الهیات مقایسه‌ای» به «الهیات‌ورزی مقایسه‌ای» یا «الهیات‌ورزی از راه مقایسه» ترجمه کرد. ترجیح این دو اصطلاح بر «الهیات مقایسه‌ای» به‌منظور پرهیز دادن مخاطب از این تصور اولیه است که در این دانش، فقط «الهیات‌ها» با هم مقایسه می‌شوند.

این تصور که در الهیات مقایسه‌ای فقط الهیات‌ها (دین‌های سطح دو) با هم مقایسه می‌شوند، احتمالاً ناشی از قیاس عنوان این دانش با عنوان دانش «دین مقایسه‌ای» (comparative religion) است. از آنجاکه در «دین مقایسه‌ای» (دین‌شناسی مقایسه‌ای)، دو یا چند «دین» با هم مقایسه می‌شوند، این تصور به وجود می‌آید که در «الهیات مقایسه‌ای» نیز دو یا چند «الهیات» با هم مقایسه می‌شوند؛ حال آنکه در اصطلاح «الهیات مقایسه‌ای»، اگر معنای مصدری واژه «الهیات» قصد شود، این واژه فقط ناظر به الهیات «یک» دین خواهد بود: «دین مبدأ» یا «دین خودی». مثلاً ترکیب‌هایی مانند «الهیات مقایسه‌ای مسیحی»، «الهیات مقایسه‌ای اسلامی» و «الهیات مقایسه‌ای یهودی» نیز همین است. در اولی، این الهی‌دان مسیحی است که الهیات‌ورزی می‌کند؛ یعنی در باب خدا و دین مسیحی می‌اندیشد و سخن می‌گوید؛ در دومی، این الهی‌دان مسلمان است و در سومی الهی‌دان یهودی. پس می‌توان این عناوین را تغییر داد تا اندیشه نهفته در آنها روشن‌تر شود: «الهیات‌ورزی مسیحی از راه مقایسه»، «الهیات‌ورزی اسلامی از راه مقایسه» و «الهیات‌ورزی یهودی از راه مقایسه»؛ و اگر پرسیده شود که «از راه مقایسه با چه چیز»، پاسخ آن است که در اینجا ارتکازی که در ذهن الهی‌دان‌ها رسوخ دارد، مقایسه دین خود با دین دیگری است.

این نکته مورد غفلت نیست که عنوان اصلی این دانش، comparative theology است، نه comparative theologization یا comparative theologizing. احتمالاً ترجیح theology بر theologize بدین سبب بوده است که theologize فعلی دوپهلوست: هم معنای «الهیات‌ورزی» می‌دهد و هم معنای «الهیاتی کردن» یا «الهیاتی‌سازی». فعل theologize در معنای «بیان چیزی با زبان و مفاهیم الهیاتی»، «چیزی را در الهیات گنجانیدن» و «انجام خردورزی الهیاتی / الهیات‌ورزی کردن» (to speculate theologically) به کار رفته است (Guralnik, 1995)؛ ولی زبان فارسی با این اشتراک لفظی مواجه نیست و به آسانی می‌توان این دو معنا را با همین سه اصطلاح یا اصطلاحات مشابه دیگر از هم تمییز داد.

به هر حال با پذیرش توسع در معنای واژه «الهیات»، می‌توان comparative theology را همچنان به «الهیات مقایسه‌ای» ترجمه کرد؛ ولی اگر چنین تصرفی را در معنای واژه الهیات روا نداریم و آن را دست‌کاری نابجای موضوع‌له ارزیابی کنیم، باید theology را به معنای theologization (الهیات‌ورزی) بدانیم و برای عنوان این رشته در زبان فارسی، اصطلاح «الهیات‌ورزی مقایسه‌ای» یا «الهیات‌ورزی از راه مقایسه» را انتخاب کنیم. با توجه به اینکه چاره نخست پرمؤونه به نظر می‌رسد، راهکار دوم ترجیح دارد.

مسئله را می‌توان چنین طرح کرد که عنوان «الهیات مقایسه‌ای» می‌تواند گمراه‌کننده باشد. این عنوان ممکن است موجب این تصور نادرست شود که در این رشته، فقط «اندیشه‌های الهیاتی» - در معنای مضیقی که فقط شامل خردورزی انسانی در باب امور مربوط به خداست - با هم مقایسه می‌شوند. با این حال، الهیات مقایسه‌ای فراتر از این است و متون مقدس، مناسک و سایر عناصر سنت‌های دینی را نیز دربر می‌گیرد. پرسش آن است که اگر بخواهیم برای گمراه‌کنندگی عنوان «الهیات مقایسه‌ای» چاره‌ای بیندیشیم، آیا می‌توانیم توضیح دهیم که در اصطلاح «الهیات مقایسه‌ای»، واژه «الهیات» فقط به «الهیات سنت خودی» اشاره دارد؟ آیا می‌توانیم بگوییم که اصطلاح «الهیات مقایسه‌ای» به معنای «الهیات‌ورزی در سنت خودی از راه مقایسه با همه عناصر سنت دیگر» است؟ آیا می‌توانیم بگوییم که در «الهیات مقایسه‌ای»، ما به کمک مقایسه، به الهیات‌ورزی (theologizing) در سنت خودی می‌پردازیم؟

کاترین کورنیل پیشنهادهای سه‌گانه فوق را «عالی» ارزیابی می‌کند و معتقد است که «این راه خوبی برای بیان ماهیت هنجاری و اعترافی الهیات مقایسه‌ای و برای استفاده از این اصطلاح است» (Cornille, 2024, April 11). کلاوس فون استوش نیز موافقتش را ابراز می‌کند و می‌افزاید: «به خاطر داشته باشید که الهیات مسیحی شامل اندیشه در باب مناسک یا شریعت یا تفسیر نیز هست» (Von Stosch, 2024, April 10). دانیل مادیگان می‌نویسد: «به نظرم پیشنهادهایی که در سه پرسش بند پایانی خود داده‌اید، بسیار خوب و مفید هستند» (Madigan, 2024, April 11). اما روث لنگر توضیح می‌دهد که «راه‌های زیادی برای انجام الهیات مقایسه‌ای وجود دارد. پس وظیفه الهی‌دان است که روش و مقصود خود را روشن کند» (Langer, 2024, April 10).

ازسوی دیگر، بررسی محتوای کتاب *Comparative Theology: Deep Learning Across Religious Borders* اثر فرانسیس کلونی، نشان می‌دهد که کلونی نیز این قرائت از عنوان این رشته را کاملاً پذیرفته است. او در جای جای کتابش (Clooney, 2010, p. 3-4, 23, 53, 54, 57, 69 & 87)، به جای آنکه درباره مقایسه الهیات‌ها (comparing theologies) صحبت کند، درباره «انجام الهیات به صورت مقایسه‌ای» (doing theology comparatively)، «الهیات‌ورزی» (theologizing)، «الهیات‌ورزی مقایسه‌ای» (comparative theologizing) و «مقایسه الهیاتی» (theological comparing) سخن می‌گوید.

برای نمونه، کلونی معتقد است که «انجام الهیات به صورت مقایسه‌ای» (doing theology comparatively)، در شرایطی که [بین دو سنت مورد مقایسه] دگرسانی آشکارتر و عمیق‌تری احساس شود، نه تنها کم‌فایده نخواهد بود، بلکه حتی ثمربخشی بیشتری هم خواهد داشت» (Clooney, 2010, p. 3-4). همچنین، او بخش دوم کتابش را «الهیات‌ورزی مقایسه‌ای» / «انجام الهیات مقایسه‌ای» (Doing Theology Comparatively) نام نهاده است (Clooney, 2010, p. 54). به علاوه، کلونی اظهار می‌کند: «در الهیات مقایسه‌ای، جنبه الهیات ما را به ژرفای عالم تعهد، ایمان و مواجهه با خدا می‌کشاند» (Clooney, 2010, p. 57). در واقع، کلونی با گره زدن واژه «الهیات» در اصطلاح «الهیات مقایسه‌ای» به عمق ایمان و تعهد مسیحی‌اش، تردیدی باقی نمی‌گذارد که منظورش از «الهیات» در «الهیات مقایسه‌ای» چیزی جز الهیات مسیحی نیست و در نتیجه، واژه الهیات در این عنوان فقط ناظر به الهیات دین خودی یا مبدأ است.

۲. وجه تمایز الهیات مقایسه‌ای و دین‌شناسی مقایسه‌ای

اکنون که مشخص شد در الهیات مقایسه‌ای نیز، همانند دین‌شناسی مقایسه‌ای، همه دانستنی‌های دو دین است که با هم مقایسه می‌شوند، سزاوار است پرسیده شود: پس فرق الهیات مقایسه‌ای با دین‌شناسی مقایسه‌ای چیست؟ در پاسخ باید گفت: فرق این دو در آن نیست که دین‌شناسی مقایسه‌ای «دین‌ها» را با هم مقایسه می‌کند، ولی الهیات مقایسه‌ای به مقایسه «الهیات‌ها» به معنای خاص (دین شماره دو) می‌پردازد. چنان که گذشت، الهیات مقایسه‌ای نیز «دین‌ها» (دین‌های یک و دو و سه) را مقایسه می‌کند. تفاوت در جای دیگر است.

دین‌شناسی مقایسه‌ای بر مقایسه «علمی و بی‌طرفانه» متمرکز است؛ هنجاری (normative) نیست و می‌کوشد از تأثیرگذاری باورها و تعلقات دینی پژوهشگر بر تحقیق جلوگیری کند. پژوهشگر ایمان و تعلقات دینی‌اش را به طور موقت یا دائم کنار می‌گذارد و - دست‌کم برحسب ادعا - با بی‌طرفی کامل به مطالعه و مقایسه دین‌ها می‌پردازد. او موظف است هویت و انگیزه دینی شخصی خود را شناسایی کند و تا جای ممکن، اثر آن را بر فرایند مقایسه و نتیجه‌گیری به کمترین حد برساند. در این رشته، اعتراف به تعلقات دینی مشکلی روش‌شناختی به شمار می‌آید و انتخاب موضوعات، عمدتاً بر اساس تمایلات ذهنی و به امید ثمره فکری انجام می‌شود. انگیزه پژوهشگر، کنجکاوی

و میل به درک عمیق‌تر پدیده‌های دینی، متون، آموزه‌ها و رسوم دینی خاص از طریق مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو یا چند سنت دینی است. او می‌خواهد ماهیت و کارکرد ادیان را بهتر بشناسد؛ هدفش توضیح پدیده‌های دینی و مقایسه آنها برای تعیین میزان شباهت یا تفاوتشان با همدیگر است؛ به تحلیل علمی طرفین مقایسه و غربالگری شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان می‌پردازد و از این رهگذر، به ماهیت طرفین دست می‌یابد.

در مقابل، الهیات مقایسه‌ای صرفاً از روی کنجکاوی فکری و تنها به واسطه میل به شناخت عمیق‌تر انجام نمی‌شود؛ بلکه به‌واقع عطشی است برای دستیابی به حقیقت دینی یا غایی و محتوای معنوی. الهیات مقایسه‌ای «الهیات» است؛ تلاشی مؤمنانه در طلب فهم است؛ ریشه در یک سنت دینی خاص دارد؛ ولی از آن پایه ایمانی فرا می‌رود و آموختن از سنت یا سنت‌های دینی دیگر را نیز پی می‌جوید. هدفش فقط توضیح پدیده‌های دینی نیست؛ بلکه پیش از آن، تعمیق و پیشبرد حقیقت دینی و پُربارسازی خویش‌فهمی دینی یک سنت دینی خاص و فرونشانی تشنگی معنوی و متحول‌سازی پویندگان راه آن دین را مطرح نظر دارد. الهیات مقایسه‌ای دغدغه‌های الهیاتی ریشه‌دار در سنت خودی را با مطالعه عمیق سنت دیگری ترکیب می‌کند و به بینش‌های تازه الهیاتی دست می‌یابد؛ بینش‌هایی که وامدار سنت یا سنت‌های تازه‌شناخته‌شده و نیز سنت خود الهی‌دان است.

الهی‌دان مقایسه‌ای فقط موضوعاتی را برای مقایسه انتخاب می‌کند که برای شخص خودش به‌عنوان یک فرد ایمان‌دار یا برای باهمستان دینی‌ای که بدان تعلق دارد، معنای ژرف معنوی یا دینی داشته باشد. در الهیات مقایسه‌ای، «ایمان» عاملی ضروری و آشکار است. الهیات مقایسه‌ای، مؤمنانه دنبال می‌شود و از منظر یک سنت دینی خاص و در بطن یک باهمستان دینی خاص انجام می‌پذیرد. بنابراین الهیات مقایسه‌ای به‌وضوح رشته‌ای هنجاری است که در آن، اعتراف به پابندی هنجاری نه‌تنها مشکل‌ساز نیست، بلکه به ذات پروژه تعلق دارد. وجه تمایز بین الهیات مقایسه‌ای و دین‌شناسی مقایسه‌ای، در نهایت همین مسئله هنجاری بودن و غیرهنجاری بودن است؛ نه اینکه در الهیات مقایسه‌ای «الهیات‌ها» مقایسه می‌شوند و در دین‌شناسی مقایسه‌ای «دین‌ها».

کورنیل در مقاله «الهیات مقایسه‌ای: بیش از مقایسه الهیات‌ها»، الهیات مقایسه‌ای را فراتر از دین‌شناسی مقایسه‌ای می‌داند؛ بدین معنا که این دو دانش تا مرز خاصی با هم اشتراک دارند و سپس الهیات مقایسه‌ای دین‌شناسی مقایسه‌ای را پشت سر می‌گذارد و در مسیر جدید و خاص خودش به جلو می‌رود. به بیان دیگر، الهیات مقایسه‌ای از آنجا آغاز می‌شود که دین‌شناسی مقایسه‌ای پایان می‌یابد:

اگرچه الهیات مقایسه‌ای به‌طور کامل در دین‌شناسی مقایسه‌ای ریشه دارد، ولی نمی‌توان آن را به مطالعه و مقایسه علمی ادیان تقلیل داد. «بیش بودن» الهیات مقایسه‌ای، در انگیزه، روش و هدف آن نمایان می‌شود. در الهیات مقایسه‌ای، انگیزه صرفاً کنجکاوی فکری و میل به شناخت عمیق‌تر نیست؛ بلکه عطشی است برای دستیابی به حقیقت دینی (Cornille, 2019a, p. 18-19).

بنابراین الهیات مقایسه‌ای چیزی «بیش از» صرف مقایسه نظام‌های الهیاتی است. الهیات مقایسه‌ای نه‌تنها به نظام‌های متنی، الهیاتی، اعتقادی یا فلسفی محدود نمی‌شود، بلکه می‌خواهد چیزی «بیش از» ممارست شناختی

(ورزش فکری) (cognitive exercise) باشد (Cornille, 2019a, p. 2). درحالی که دین‌شناسی مقایسه‌ای به درک عمیق‌تر ماهیت دین یا فهم اندیشه‌ها یا پدیده‌های خاص دینی گرایش دارد، الهیات مقایسه‌ای بیشتر به معناداری یا اعتبار این اندیشه‌ها یا پدیده‌ها توجه می‌کند. وجه تمایز الهیات مقایسه‌ای از دین‌شناسی مقایسه‌ای، در نهایت همین مسئله هنجاری است (Cornille, 2019b, p. 10). الهیات مقایسه‌ای مانند خود الهیات مایل است حقیقت غایی را نیز بهتر درک کند. بنابراین الهیات مقایسه‌ای به‌وضوح رشته‌ای هنجاری است که کارش مقایسهٔ ادیان از منظری ایمان‌مدارانه یا به‌منظور پیشبرد درک الهیاتی است (Cornille, 2019b, p. 2).

الهیات مقایسه‌ای آمیزه‌ای از دو رشتهٔ «مطالعات ادیان» و «الهیات» است و از روش‌های هر دو بهره می‌گیرد (Cornille, 2019b, p. 1). ریشه در دین‌شناسی مقایسه‌ای و روش‌شناسی آن دارد و کاملاً وامدار آن است. الهی‌دانی که مقایسهٔ بین‌دینی انجام می‌دهد، باید بر سنت‌های دینی و محتوای مورد مطالعهٔ خود تسلط کافی داشته باشد. این امر مستلزم مطالعهٔ گستردهٔ تاریخ، زبان‌ها، متون، آموزه‌ها و اعمال و مناسک سنت‌های مورد نظر است (Cornille, 2019a, p. 4). او باید دانشمندی متبحر در مطالعهٔ دین دیگر باشد تا دچار اشتباه یا سهل‌انگاری نشود؛ باید متوجه باشد که پژوهش بی‌کیفیت یا سطحی در مورد ادیان، الهیاتی ضعیف به‌دست خواهد داد (Clooney, 2010, p. 12)؛ باید به مطالعهٔ عمیق دین دیگر و زبان‌ها و تاریخ آن بپردازد تا بتواند یک متن دینی خاص را در بافت تاریخی و فرهنگی خاصش بفهمد و مقایسه‌های معنادار و ثمربخش انجام دهد (Cornille, 2019b, p. 2). از این‌رو مقایسه‌ورزان به‌ندرت می‌توانند بیش از دو سنت را بررسی کنند و در آن صاحب‌نظر شوند (Cornille, 2019a, p. 4).

الهیات مقایسه‌ای را نباید با دین‌شناسی مقایسه‌ای اشتباه گرفت. در اولی، ایمان عاملی ضروری و آشکار است؛ درحالی که در دومی، حتی ممکن است جلوی تأثیرگذاری ایمان گرفته شود (Clooney, 2010, p. 12). درحالی که دین‌شناس مقایسه‌ای سوگیری‌های شخصی خود را افشا می‌کند تا تأثیر آنها را به کمترین حد برساند، الهی‌دان مقایسه‌ای پیش‌فرض‌های دینی خود را با کمال میل می‌پذیرد و دارای نقشی سازنده در کارش می‌داند (Cornille, 2019b, p. 9-10). «اعتراف به پابندی هنجاری، که حتی امروزه برای بیشتر پژوهشگران مطالعات ادیان مشکلی روش‌شناختی به‌شمار می‌آید، به ذات پروژهٔ الهیات مقایسه‌ای تعلق دارد» (Locklin & Nicholson, 2010, p. 490).

به لحاظ روش، الهی‌دان مقایسه‌ای موضوعاتی را برای مقایسه انتخاب می‌کند که برای شخص او یا برای دینی که بدان تعلق دارد، معنای ژرف دینی داشته باشد (Cornille, 2019a, p. 18-19). در دین‌شناسی مقایسه‌ای، انتخاب موضوعات و مطالب، بیشتر بر اساس تمایل (خنثای) ذهنی و به‌امید ثمرهٔ (صرفاً) فکری انجام می‌شود؛ حال آنکه الهی‌دان مقایسه‌ای به‌دنبال درک الهیاتی (که امری هنجاری است و با ایمان او سروکار دارد) یا تعمیق و توسعهٔ فهم خویش از حقیقت دینی است (Cornille, 2019a, p. 6).

تفاوت اساسی دین‌شناسی مقایسه‌ای با الهیات مقایسه‌ای، در غایات یا اهداف خاص هریک از آنها نهفته است. درحالی که دین‌شناسی مقایسه‌ای به‌دنبال «درک» عمیق‌تر پدیده‌های دینی یا متون، آموزه‌ها یا رسوم دینی خاص از طریق مطالعهٔ

شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو یا چند سنت دینی است، غایت الهیات مقایسه‌ای آن است که با ورودی سازنده به دانستنی‌های (data) سایر سنت‌های دینی، به کشف یا پیشبرد «حقیقت» الهیاتی بپردازد (Cornille, 2019a, p. 2). به‌طور کلی، تفاوت این دو در ذیل دو رویکرد متضاد هنجاری و غیرهنجاری می‌گنجد (Cornille, 2019a, p. 2).

جمع‌بندی

در رویکرد غالب به الهیات مقایسه‌ای؛ یعنی یادگیری بین‌دینی مرضی‌الطرفینی به‌صورت اعترافی، هر سه سطح از دین، شامل سطح یک (محتوای مقدس)، سطح دو (محصول اندیشه انسان درباره محتوای مقدس) و سطح سه (دین‌های سطوح یک و دو به‌صورت زیسته و تحقق‌یافته در جوامع بشری)، مورد رجوع است و مقایسه‌ورزی به‌صورت بین‌دینی در همه سطوح سه‌گانه اتفاق می‌افتد، نه صرفاً به‌صورت بین‌الهیاتی. قدر متیقن از محتوای مورد رجوع و مقایسه «الهیات‌ها»، دانش‌های ایمان‌پایه انسانی در باب دین (دین‌های سطح دو) است و آنچه نیاز به اثبات دارد، مقایسه‌ورزی در سطوح اول و سوم است که با استناد به تحقیقات درجه اول و دوم توسط الهی‌دان‌هایی مانند فرانسیس کلونی، کاترین کورنیل، کلاوس فون استوش، و ماریانه مویارت، به روشنی حاصل می‌شود.

تمایز بین الهیات مقایسه‌ای و دین‌شناسی مقایسه‌ای به آن نیست که دین‌شناسی مقایسه‌ای «دین‌ها» را با هم مقایسه می‌کند، ولی الهیات مقایسه‌ای «الهیات‌ها» (دین‌های سطح دو) را؛ بلکه تمایز به آن است که دین‌شناسی مقایسه‌ای - دست‌کم برحسب ادعا - به‌صورت علمی و بی‌طرفانه و غیرهنجاری دنبال می‌شود؛ حال آنکه الهیات مقایسه‌ای رشته‌ای هنجاری است که در یک سنت دینی خاص ریشه دارد و تلاشی مؤمنانه در جهت فهم بهتر همان سنت است. این دو دانش تا مرز خاصی با هم اشتراک دارند و سپس الهیات مقایسه‌ای دین‌شناسی مقایسه‌ای را پشت سر می‌گذارد و در مسیر جدید و هنجاری و ایمان‌پایه خاص خود به جلو می‌رود. به بیان دیگر، الهیات مقایسه‌ای از آنجا آغاز می‌شود که دین‌شناسی مقایسه‌ای پایان می‌یابد.

برای سازگار کردن عنوان مضیق رشته الهیات مقایسه‌ای با امر موسعی که در عمل اتفاق می‌افتد؛ یعنی برای توجیه‌پذیر کردن استفاده از اصطلاح «الهیات» در عنوان این رشته، دو راهکار وجود دارد: نخست، توسعه در معنای «الهیات»؛ به‌طوری‌که علاوه بر دین سطح دو، که همان معنای مضیق الهیات است، سطوح اول و سوم دین را هم شامل شود؛ دوم اینکه برای واژه «الهیات» در عنوان دانش «الهیات مقایسه‌ای»، معنای مصدری «اندیشیدن درباره خدا و دین» در نظر گرفته شود؛ که در آن صورت، این واژه فقط ناظر به الهیات «یک» دین، یعنی «دین مبدأ» یا «دین خودی» خواهد بود. اگرچه هریک از این دو راهکار با استناد به منابع موجود پشتیبانی می‌شود، ولی مختار این پژوهش راهحل دوم است؛ زیرا بسط معنای «الهیات»، به‌طوری‌که هر سه سطح از دین را دربر بگیرد، کاری پر‌مؤنه به نظر می‌رسد که گریزناپذیر نیست و می‌توان با اتخاذ راهکار دوم، که کم‌هزینه‌تر و بلکه خردمندانه‌تر می‌نماید، از آن دوری جست.

- Auffarth, C., Bernard, J., Mohr, H. & Von Stuckrad, K. (Eds.). (2006). *The Brill Dictionary of Religion*. Brill.
- Clooney, F. X. (2008). *Beyond compare: St. Francis de Sales and Sri Vedanta Desika on loving surrender to God*. Georgetown University Press.
- Clooney, F. X. (2010). *Comparative theology: Deep learning across religious borders* (1st ed.). Oxford Wiley-Blackwell.
- Clooney, F. X. (2024). Correspondent [Email message to author].
- Cornille, C. (2019a). Comparative theology: More than comparing theologies [Paper presentation]. International Conference on Comparative Theology, Melbourne, Australia. <http://bit.ly/3dGoyNZ>
- Cornille, C. (2019b). *Meaning and method in comparative theology*. John Wiley & Sons.
- Cornille, C. (2023). Correspondent [Email message to author].
- Cornille, C. (2024). Correspondent [Email message to author].
- Cornille, C. (2024). Correspondent [Email message to author].
- Fredericks, J. (2010). *The new comparative theology* (F. Clooney, Ed.). T&T Clark.
- Grimes, R. L. (1995). *The beginnings of ritual studies* (Rev. ed.). University of South Carolina Press.
- Guralnik, D. B. (Ed.). (1995). *Webster's New World Dictionary*, New College Edition. New World Dictionaries/Simon and Schuster.
- Kermani, N. (2020). *Ungläubiges Staunen: Über das Christentum*. C.H. Beck.
- Langer, R. (2024). Correspondent [Email message to author].
- Locklin, R. & Nicholson, H. (2010). The return of comparative theology. *Journal of the American Academy of Religion*, 78(2), 477-514
- Madigan, D. (2012). God's word to the world: Jesus and the Qur'an, incarnation and recitation. In T. Merrigan & F. Glorieux (Eds.), *Godhead here in hiding: Incarnation and the history of human suffering* (p. 143–158).
- Madigan, D. (2024). Correspondent [Email message to author].
- Moyaert, M. (2018). Towards a ritual turn in comparative theology: Opportunities, challenges, and problems. *Harvard Theological Review*, 111 (1). <https://doi.org/10.1017/S0017816017000360>.
- Moyaert, M. & Geldhof, J. (Eds.). (2015). *Ritual participation and interreligious dialogue*. Bloomsbury.
- O'Donnell, E. (2015). *Remembering the future: The experience of time in Jewish and Christian liturgy*. Liturgical Press.
- Paulsell, S. (2012, January 25). Faith matters: Devotional difference. *The Christian Century*. <https://www.christiancentury.org/article/2012-01/devotional-difference>
- Sheridan, D. P. (2007). *Loving God: Ka and Christ; a Christian commentary on the Nārada Sūtras*. Peeters.
- Von Stosch, K. (2022). Correspondent [Email message to author].
- Wiesenhütter, L. C. (2024). *Was ist (katholische) Theologie? – Ein Einführungstext* [Unpublished manuscript]. Zentrum für Komparative Theologie und Kulturwissenschaften (Zekk), Universität Bonn.
- Von Stosch, K. (2024). *Souvenir of Bonn: A conversation with Klaus von Stosch on comparative theology* [Unpublished manuscript]. Microsoft Word file.
- Von Stosch, K. (2024). Correspondent [Email message to author].
- Von Stosch, K. (2024). Correspondent [Email message to author].